

نحوه استفاده از اعتبارات حساب ذخیره ارزی

اشاره

تأمین منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری برای تکمیل و راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی جدید و نیز اجرای پروژه‌های توسعه‌ای، یکی از وظایف مدیران واحدهای صنعتی اعم از دولتی و غیردولتی می‌باشد.

در کشورهای در حال توسعه از راه‌های گوناگون برای رفع تنگنای کمبود سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی مولد استفاده می‌شود که استفاده از منابع و تسهیلات اعتباری خارجی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکتی خارجی و نیز تجزیه منابع سرمایه‌گذاری از درون اقتصاد کشور از آن جمله‌اند. بهره‌گیری از هر یک از این امکانات مزایا و معایبی دارد. شاید به دقت بتوان گفت که کمترین آسیب اقتصادی برای تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری، استفاده از منابع داخلی و تخصیص بهینه آن باشد.

افزایش درآمدهای ارزی ایران در سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، این امکان را فراهم ساخت که از منابع اضافی درآمدهای نفتی برای رونق سرمایه‌گذاری صادرات‌گرا در اقتصاد کشور استفاده شود. اما بر اساس اطلاعات موجود میزان استقبال از طرح استفاده از وجوه صندوق ذخیره ارزی از سوی مدیران صنایع و کارآفرینان در حد مورد انتظار نبوده است. در این مقاله به بررسی علل این امر می‌پردازیم.

مخالف اقتصادی در خصوص نحوه استفاده از این منابع اضافی، شروع شد و سرانجام مجلس شورای اسلامی با تصویب مصوبه‌ای مبنی بر استفاده از ۵۰ درصد این منابع در طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی، به این بحث‌ها خاتمه داد.

بر اساس این مصوبه، مقرر شد ۳/۵ میلیارد دلار از وجوه حساب ذخیره ارزی به عنوان وام ارزی به سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی با نرخ بهره بین‌المللی (حدود ۷/۵ درصد

منابع برای جبران کسری درآمد ارزی استفاده شود.

انتخاب این راهکار، از دید بسیاری از کارشناسان که میزان آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از نوسانات قیمت نفت در بازارهای جهانی را مانعی جدی برای پیشبرد برنامه‌های توسعه‌ای تلقی می‌کنند، اقدامی مؤثر و مفید تلقی شد.

اما با افزایش درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت در سال گذشته که تا حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد می‌شد، بحث‌های بسیاری در

به منظور جلوگیری از آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در مقابل نوسانات درآمدهای نفتی، در سومین برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، راه‌کاری تدوین شد که بر اساس آن می‌بایست در سال‌هایی که با مزاد درآمدهای نفتی نسبت به پیش‌بینی برنامه، رو به‌رو می‌شویم، منابع ارزی اضافی در حساب ذخیره ارزی نگهداری شود تا در سال‌های کاهش درآمدهای مذکور (نسبت به پیش‌بینی برنامه) از این

معادل نرخ بهره لایبور - بهره بین بانکی در لندن) تخصیص یابد.

در ابتدا به نظر می‌رسید که استقبال سرمایه‌گذاران خصوصی از این طرح قابل توجه باشد، زیرا که بسیاری از طرح‌های سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش صنایع و معادن به منابع ارزی نیازمندانست. اما در عمل چنین نبود و مهمترین علت آن از دید مدیران صنایع، نحوه بازپرداخت این اعتبارات بود.

چندی پیش دکتر محسن نوریبخش در خصوص بازپرداخت اعتبارات یاد شده به نکته‌ای اشاره کرد، وی گفت: نحوه بازپرداخت اعتبارات می‌تواند ارزی یا ریالی باشد.

نوریبخش به پذیرش نوسان ۱۰ درصدی سالانه نرخ ارز در سال‌های اجرای برنامه سوم اشاره داشت که چنانچه در طول یک سال نرخ ارز ۱۰ درصد افزایش یابد، با توجه به نرخ ۷/۵ درصدی اعتبارات ارزی، مجموع سود پرداختی به نظام بانکی کشور از سوی استفاده‌کنندگان از اعتبارات یاد شده به ۱۷/۵ درصد می‌رسد.

رییس کل بانک مرکزی این نرخ را با توجه به نرخ سود اعتبارات ریالی نظام بانکی کشور، به نفع مدیران صنایع بخش خصوصی تلقی کرد، در حالی که اکثر آنها این نرخ را سنگین و بازپرداخت اقساط این اعتبارات را با توجه به نرخ سود صنعت، دشوار تلقی می‌کنند.

با توجه به اظهارنظر کارشناسان اقتصادی و مدیران صنایع خصوصی

در خصوص نرخ سود اعتبارات یاد شده و ارزیابی‌های اقتصادی در این زمینه در رسانه‌های جمعی، شورای پول و اعتبار در اطلاعیه‌ای تصریح کرد که بازپرداخت اعتبارات مذکور فقط به ارز صورت خواهد گرفت و نحوه بازپرداخت ریالی را به کلی متفی دانست.

با این وجود، هنوز ابهام‌هایی در خصوص ارزیابی بهره‌گیری از این اعتبارات در محافل اقتصادی - سرمایه‌گذاری به گوش می‌رسد که در عمل استقبال از بهره‌گیری از اعتبارات یاد شده را محدود کرده است. این ابهام‌ها در خصوص نوسانات نرخ ارز در سال‌های آتی (به ویژه دوران بازپرداخت اقساط و بهره بدهی‌های استفاده‌کنندگان از وام ارزی) می‌باشد. چنانچه نرخ ارز افزایش یابد و ارزش ریال در برابر دلار با اهدافی همچون کمک به جهش در صادرات غیرنفتی تضعیف گردد، بازپرداخت تعهدات به ارز برای آن دسته از متقاضیانی که طرح‌های صادرات‌گرا ندارند و نمی‌توانند بخشی از فروش خود را از طریق صادرات تأمین کنند، بسیار دشوار خواهد بود و حتی ممکن است اینگونه صنایع را به ورطه ورشکستگی بکشاند.

کارشناسان اقتصادی بر این عقیده هستند که استفاده از این منابع برای سرمایه‌گذارانی که طرح‌های صادرات‌گرا دارند، نه تنها صرفه اقتصادی دارد، بلکه سودآور نیز خواهد بود.

از دید برخی کارشناسان که بقای حیات اقتصادی کشور را در جهش صادرات غیرنفتی و روی‌آوری تولیدات بخش‌های مختلف اقتصادی به بازارهای جهانی می‌بینند، استفاده از وام ارزی حساب ذخیره ارزی، راه‌کاری مثبت برای رونق سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا در اقتصاد ملی است.

این کارشناسان عقیده دارند که در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در کشور، می‌بایست تنها طرح‌هایی مد نظر قرار گیرد که جنبه صادراتی آنها غالب باشد و دست کم تیمی از محصولات تولیدی در بازارهای خارجی به فروش رسند. در این صورت استفاده‌کننده از تسهیلات مذکور نه تنها در بازپرداخت اقساط تعهدات خود به ارز، دچار مشکل نخواهد شد، بلکه به رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال مولد در جامعه، کمک به فقرزدایی و ... کمک مؤثری خواهد داشت.

با این وجود، صاحبان صنایع و کارآفرینان اقتصادی نسبت به بینه صادراتی طرح‌های سرمایه‌گذاری خود با توجه به رقابت فشرده در بازارهای بین‌المللی، تردید دارند. شمار اندکی از سرمایه‌گذاران می‌توانند از این اعتماد برخوردار باشند که قدرت رقابت در بازارهای خارجی را خواهند داشت و لذا برای استفاده از اعتبارات ارزی گام بردارند. گفته می‌شود که کمتر از یک میلیارد دلار تقاضای بهره‌گیری از این اعتبارات تاکنون به سیستم بانکی

مرکزی اینگونه خریدها را برای تولیدکنندگان مجاز نمی‌داند، اما اعتباراتی را با شرایط ابهام‌آمیز از نرخ ارز به تولیدکنندگان پیشنهاد می‌کند و انتظار دارد که آنها در چنین شرایطی گام پیش نهند و از این اعتبارات بهره‌گیرند.

آنها با اشاره به ضرورت بازنگری در فعالیت‌های بخش‌های مختلف تولیدی کشور و رفع موانع و تنگناهای موجود، اظهار می‌دارند: تجارت جاده‌ای دوطرفه است که یک سمت آن را صادرات و سوی دیگر را واردات تشکیل می‌دهد. با توجه به عقب‌ماندگی بخش‌های اقتصادی از حیث فناوری، واردات می‌بایست در راستای دستیابی به فناوری روز شکل یابد، تا ضمن ارتقای کیفیت تولیدات داخلی، امکان عرضه محصولات مشتری‌پسند به بازارهای برون‌مرزی فراهم گردد و سوی دیگر جاده تجارت با رشد صادرات، همراه باشد. آنها عقیده دارند که بازار داخلی اینک به حد اشباع نزدیک شده است و آزادسازی واردات با محاسبات نرخ‌های تعرفه کنونی (بر مبنای هر دلار معادل ۱۷۵۰ ریال) خود تهدیدی برای تولیدکنندگان داخلی به شمار می‌رود. در چنین شرایطی امکان جهش در صادرات غیرنفتی بعید به نظر می‌رسد و چگونه می‌توان وام‌های ارزی را به سهولت بازپرداخت کرد.

از سویی دیگر شماری از کارشناسان با اشاره به سهم عظیم واحدهای تولیدی - اقتصادی بخش

سرمایه‌گذاری برای بهره‌گیری از این اعتبارات می‌بایست دچار تردید شوند، آن هم در شرایطی که رقابت در بازارهای جهانی با توجه به افزایش قیمت تمام شده محصولات صنعتی در ایران به سالانه ۲۰ درصد می‌رسد، روز به روز دشوارتر می‌شود.

از این رو اصلاحات بنیادین اقتصادی، نخستین و مهمترین رکن تصمیم‌سازی‌های اقتصادی - سرمایه‌گذاری است. افزایش سالانه نرخ خدمات دولتی به میزان ۱۰ درصد، افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم و بدون توجه به بهره‌وری نیروی کار، وجود عوارض گوناگون برای صاحبان صنایع و ... از مایلی است که هر سرمایه‌گذاری را به تردید و تفکر وامی‌دارد. این هزینه‌های تحمیلی به بخش تولید، نه تنها رقابت در بازارهای داخلی با توجه به آزادسازی واردات و تعرفه‌های غیرواقعی را دشوار کرده است، بلکه در عرصه رقابت بین‌المللی نیز صادرکنندگان ایرانی را به حاشیه بازار رانده است. با این وصف انتظار می‌رود که اصلاحات اقتصادی برای تقویت بنیه رقابت صادرات کشور، پیش از ارزیابی اعتبارات ارزی می‌بایست اعمال گردد تا شرایط رقابتی را برای تولیدات داخلی در بازارهای برون‌مرزی فراهم سازد.

برخی دست‌اندرکاران صنعت با اشاره به خریدهای یوزانس یک تا سه ساله با نرخ بهره کمتر در بازارهای جهانی، اظهار می‌دارند که بانک

کشور ارایه شده است. در این خصوص رییس کل بانک مرکزی فقط می‌گوید که استقبال برای استفاده از اعتبارات مذکور خوب بوده است و هیچ رقمی را در این خصوص اعلام نکرده است.

کارشناسان عقیده دارند که یکسان‌سازی نرخ ارز، حمایت واقعی و بیشتر از رشد صادرات غیرنفتی، تعیین حقوق گمرکی واردات بر مبنای نرخ واقعی ارز، ایجاد شرایط اقتصادی شفاف و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی (به ویژه قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک) اطلاع‌رسانی شفاف اقتصادی بازرگانی به سرمایه‌گذاران، بازبینی بخش‌های مختلف اقتصادی و راه‌نمایی سرمایه‌گذاران در خصوص طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای مزیت صادراتی، گسترش مناسبات اقتصادی و تبادل اطلاعات میان سرمایه‌گذاران و بازرگانان داخلی و خارجی، ایجاد ثبات اقتصادی و ... می‌تواند در تصمیم‌سازی‌های درست متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های صادرات‌گرا برای بهره‌گیری از این اعتبارات مفید باشد.

چنانچه نرخ ارز در یک دوره پنج‌ساله (هر سال به میزان ۵ درصد) افزایش یابد، نرخ بازگشت اعتبارات به بیش از ۳۰ درصد خواهد رسید. در شرایطی که سود صنعت در ایران در حدود ۱۰ درصد و در سطح جهانی حدود ۵ درصد برآورد می‌شود، آشکار است که متقاضیان

دولتی در اقتصاد ملی، عقیده دارند که جذب منابع حساب ذخیره ارزی با توجه به سهم اندک بخش خصوصی در تولید و تجارت خارجی، ناممکن است. آنها با اشاره به ضرورت واگذاری صنایع دولتی به بخش غیردولتی در اسرع وقت و گسترش خصوصی‌سازی، عقیده دارند که این امر به افزایش ظرفیت بهره‌گیری از اعتبارات ارزی پیشنهادی بانک مرکزی کمک خواهد کرد و با استفاده از مدیران کارآفرین و خلاق در این گونه صنایع خصوصی شده، می‌توان از اعتبارات مذکور در راستای اجرای طرح‌های توسعه‌ای صادرات‌گرا به نحو مطلوب بهره‌برداری کرد.

برخی کارشناسان عقیده دارند که با تداوم شرایط موجود، حداکثر میزان بهره‌گیری از وجوه حساب ذخیره ارزی در سال جاری به یک میلیارد دلار خواهد رسید و این امر سبب می‌شود که بخشی از منابع ارزی کشور بدون استفاده بهینه در راستای گسترش سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، راکد باقی خواهد ماند.

این کارشناسان عقیده دارند که رکود منابع سرمایه‌ای کشور در شرایطی که نیاز به ایجاد ظرفیت‌های تولیدی و گسترش اشتغال در جامعه کاملاً ملموس است، نشان از بی‌درایتی مسؤولان و برنامه‌ریزان اقتصادی دارد.

آنها با اشاره به ضرورت تدوین شرایط مناسب برای جذب

سرمایه‌گذاران خارجی، عقیده دارند که سرمایه‌گذاران ایرانی از طریق عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک، می‌توانند آورده خود را با استفاده از اعتبارات پیشنهادی (حساب ذخیره ارزی) تأمین کنند و ضمن راه‌اندازی واحدهای جدید تولیدی صادرات‌گرا، اشتغال مناسبی را برای جوانان جویای کار و صاحب مهارت و دانش فراهم آورند. در این راستا دستیابی به فناوری روز و جهش در صادرات نیز میسر می‌گردد. از این رو لازم است هر چه سریع‌تر تکلیف مقررات حاکم بر سرمایه‌گذاری خارجی در ایران روشن گردد.

برخی کارشناسان نیز با اشاره به وضعیت موجود، عقیده دارند که اگر قانونگذار بهره‌گیری از این اعتبارات در بخش‌های نفت و گاز و پتروشیمی را مجاز می‌دانست، به نفع اقتصاد کشور بود که این منابع در اینگونه طرح‌ها که قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را دارند، سرمایه‌گذاری می‌شد و برای طرح‌های مذکور از قراردادهای بیع متقابل که بیش از ۱۵ درصد سود نصیب سرمایه‌گذار خارجی می‌کند، کمتر استفاده می‌گردید.

بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی در صادرات محصولات خود به بازارهای جهانی از بیه رقابت کافی برخوردار می‌باشند و لذا بازپرداخت تمهیدات مذکور برای این بخش‌ها چندان دشوار نیست.

این کارشناسان با اشاره به ضریب بازیافت نفت در حوزه‌های نفتی کشور، بهره‌گیری از اعتبارات ارزی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای جهت افزایش این ضریب را مقرون به صرفه می‌دانند، زیرا که به رشد بهره‌برداری و عمر بیشتر چاه‌های نفتی کشور کمک خواهد کرد.

در نهایت، جمع‌بندی نظرات کارشناسان نشان می‌دهد که در شرایط کنونی با ابهام‌هایی که در خصوص نرخ ارز و رشد صادرات غیرنفتی در آینده وجود دارد، امکان بهره‌گیری از اعتبارات ارزی همچنان محدود باقی خواهد ماند و بیش از ۲ میلیارد دلار از این منابع، در سرمایه‌گذاری در اقتصاد ملی بکار گرفته نخواهد شد.

انجام اصلاحات اقتصادی و تثبیت اوضاع اقتصادی کشور، کمک به رشد بهره‌وری در بخش‌های مختلف، گسترش خصوصی‌سازی صنایع بزرگ دولتی، ایجاد فضای قانونی مناسب برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی در قراردادهای مشارکتی، ارایه تسهیلات و حمایت لازم از بخش صادرات و ... از عوامل مؤثر بر استفاده بیشتر از اعتبارات ارزی ۳/۵ میلیارد دلار حساب ذخیره ارزی می‌باشد.

